

سنجش مؤلفه‌های فرهنگ شهروندی (مطالعه موردی: شهروندان شهر قاین)

محمدحسن شربتیان^۱

چکیده

رشد و توسعه پایدار یک جامعه در گرو رعایت فرهنگ شهروندی است. مدیران شهری که به سمت برنامه‌های شهروند محوری گام بر می‌دارد؛ مولفه‌هایی همچون مشارکت شهری، مسئولیت‌پذیری و قانون‌مند بودن شهروندان در آن حوزه می‌تواند نقش بسزایی در توسعه شهری داشته باشد. هدف این نوشتار سنجش مولفه‌های فرهنگ شهروندی در بین شهروندان است. در این نوع تحقیق پیمایشی (توصیفی-همبستگی)، شهروندان ۱۵ تا ۶۴ ساله شهر قاین مورد مطالعه قرار گرفته‌اند؛ که حجم نمونه ۳۸۰ نفر بر اساس فرمول کوکران و با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای مرحله‌ای پاسخگویان انتخاب شده است. مقدار روایی سؤالات پرسشنامه برابر با ۰/۷۸ به دست آمده است. نتایج تحقیق بیانگر این است که شاخص‌های فرهنگ شهروندی (مسئولیت‌پذیری، مشارکت‌جویی و قانون‌مداری) در بین شهروندان متوسط رو به پایین است و بین این مؤلفه‌ها مسئولیت‌پذیری نسبت به دو بعد دیگر تاثیر بیشتری بر فرهنگ شهروندی دارد. از سویی دیگر یافته‌ها نشان داد بین شاخص‌های فرهنگ شهروندی رابطه معنادار و مستقیمی وجود دارد. همچنین مقایسه میانگین فرهنگ شهروندی برحسب متغیرهای زمینه‌ای تفاوت معناداری ندارد، اما برحسب تحصیلات تفاوت بین مولفه‌های معنادار است؛ بنابراین می‌توان گفت با افزایش میزان تحصیلات و آگاهی در بین شهروندان با کمک

^۱ نویسنده مسئول: دانش‌آموخته دکتری جامعه‌شناسی (مسائل اجتماعی ایران)

نهادهای اجتماعی، آموزشی و همیاری شهرداری و شورای اسلامی شهر، سازمان‌های مردم‌نهاد و... می‌توان شاخص‌های فرهنگ شهروندی را در بین شهروندان تقویت کرد.

واژگان کلیدی: فرهنگ شهروندی، قانون‌مداری، قاین، مسئولیت‌پذیری، مشارکت‌پذیری،

فصلنامه تخصصی جامعه‌شناسی کاربردی و پژوهش‌های اجتماعی (شماره ۱۴۰۰ زمستان ۱۴۰۰ سال اول)

مقدمه

در عصر حاضر، شهروندی^۲ یک ضرورت اجتماعی است که به صورت سازه اجتماعی ناشی از بسترهای اجتماعی و فرهنگی جامعه همراه با تنوع فرهنگ‌ها، معانی مختلفی را در جامعه شکل می‌دهد؛ بر این اساس «به طور کلی شهروندی یک نوع قرارداد متقابل اجتماعی و یک سلسله حقوق متقابل "دولت بر مردم و مردم بر دولت" و همچنین یک احساس مشترک عمومی نسبت به هویت ملی و اجتماعی در یک محدوده مشخص است» (عاملی، ۱۳۸۰: ۱۸۶)

در واقع در حوزه فرهنگ شهروندی باید به مجموعه‌ای از ارزش‌های اجتماعی چون " مساوات طلبی، قانون‌مداری، مشارکت‌جویی، مردم‌سالاری و مسئولیت‌پذیری مدنی شهروندان " اشاره کنیم، که این مولفه‌ها جزء حقوق فرهنگ شهروندان یک جامعه شهری محسوب می‌گردد؛ پس نکته اساسی که در تبیین رابطه بین فرهنگ شهروندی و برنامه‌ریزی شهری اشاره به این است که «نمی‌توان شهروندی را صرفاً از منظر حقوقی قانون یا صرفاً از منظر رابطه شهروند و دولت بررسی کرد، همان‌طور که فالکس^۳ می‌گوید، شهروندی یک مفهوم پویا است که برای تأمین واقعی‌اش باید به فراسوی دولت بسط یابد و فرهنگ را در بررسی آن مورد توجه قرار داد» (فاضلی، ۱۳۸۶: ۲)

در حوزه فرهنگ شهروندی جامعه‌نگامی از رابطه این شاخص با مدیریت شهری سخن می‌گوید، که سازوکارهای مشارکت، مسئولیت‌پذیری، قانون‌مداری و نحوه تعامل برنامه‌ریزان و شهروندان تعریف شده باشد (شکویی و حسینی، ۱۳۸۳: ۷۲).

^۲ Citizenship

^۳ Falks

تجربه کشورهای مختلف جهان در اداره امور شهرها نشان می‌دهد که اداره شهرها به نحو مطلوب در بسیاری از موارد از توان دولت خارج است. موفقیت در این امر در گرو مشارکت، مسئولیت‌پذیری و قانون‌مداری شهروندان و نهادهای محلی است و تنها با جلب اعتماد عمومی، تشویق شهروندان در مراحل مختلف و در نهایت با ارتقاء مولفه‌های فرهنگ شهروندی می‌توان تا حدود زیادی در تدوین اهداف و قابلیت‌های اجرایی مدیریت شهری گام‌های موثر برداشت. از طرف دیگر عدم رعایت مولفه‌های فرهنگ شهروندی در اداره امور شهر نیز پیامدهای منفی هم برای مدیریت شهری و هم برای ساکنین شهر ایجاد خواهد کرد که از جمله می‌توان «به افزایش محدودیت‌ها و مشکلات مدیریت شهری به دلیل افزایش هزینه‌ها و صرف انرژی زیاد و کاهش علاقه عاطفی شهروندان به محل زندگی خود اشاره کرد» (اصغریور، ۱۳۸۶: ۱۰۲).

بیان مساله

فرهنگ شهروندی به عنوان یکی از مهمترین شاخص‌های برنامه‌ریزی شهری در ایران، فاقد الگوی نهادینه شده است. در نتیجه برنامه‌ریزی‌های شهری و مشکلات شهروندان، سامان‌نیان یافته و مسائل شهری و مطالبات اجتماعی شهروندان در شهرها بر روی هم انباشته شده است. مدیریت شهری، مستلزم شناخت سازوکارها، ضرورت‌ها و زمینه‌های مشارکت شهروندان است که امکان مشارکت هدفمند شهروندان را در امور شهری پدید می‌آورد. (جهانگیری، ۱۳۸۱: ۱۵) بنابراین، موفقیت برنامه‌ریزی شهری، در گرو حرکت از برنامه‌های صوری، به سمت برنامه‌های واقعی و هدفمند است. در این نوع برنامه‌ها، سازوکارهای واقعی و هدفمند مولفه‌های فرهنگ شهروندی (مسئولیت‌پذیری - رعایت قانون - مشارکت شهری) تبیین می‌شود، و شهروندان به طور مداوم در جریان نتایج ارزیابی‌ها و روند اجرای برنامه‌ها قرار می‌گیرند. از سوی دیگر باور و اعتماد

مدیریت شهری به توانمندی های شهروندان و اثرگذاری آنان در برنامه های شهری، به طرح های توسعه، عمق بخشیده و مشروعیت آن را تضمین می کند.

علاوه بر این گسترش شهرنشینی در سال های اخیر، مسائل بسیاری را بر جای گذاشته است، به نحوی که مدیریت شهری امروزی دیگر قادر نخواهند بود با روش های سنتی و معمول گذشته این مشکلات را حل کند و در ارائه خدمات یک سویه موفقیتی بدست آورد. آنچه امروزه توسعه مدیریت شهری را تضمین می کند، مشارکت کلیه شهروندان در فعالیت های شهری است؛ باید توجه داشت این عامل یکی از مهمترین مولفه های فرهنگ شهرنشینی است (رضایی، ۱۳۷۵: ۵۵)

مشارکت، قانون مند بودن و مسئولیت پذیری شهروندان از الزامات زندگی شهری است و در جامعه ایران هنگامی تحقق می یابد که این مولفه ها به طور مستمر در زندگی شهروندان جاری است. تا بتوان مدیریت شهری پاسخگوی نیازهای توسعه همه جانبه شهر باشد و توجه به سهم آیندگان، را برای زندگی شهری از طریق اجرای این مولفه ها فراهم کند؛ براین اساس اداره امور زندگی شهری را بر مبنای الگوی منظم برنامه ریزی با مشارکت هدفمند، آگاهانه و داوطلبانه باید تدوین کرد. «آگاهی مستمر و مداوم از مولفه های فرهنگ شهروندی، برنامه ریزی شهری را مشروعیت بخشیده و نهادینه می سازد. بنابراین مدیریت شهری برای نهادینه شدن به تایید محیط اجتماعی و فرهنگی نیازمند است و کارکرد محیط نهادینه شده موجب کسب مشروعیت مدیریت شهری خواهد شد.» (قلی پور، ۱۳۸۱: ۱۴۵) ؛ لذا از این طریق «برنامه ریزی شهری به همراه قانون مداری، مسئولیت پذیر و مشارکت شهروندان میسر خواهد بود. و در یک جامعه پیشرفته، مشارکت در برنامه ریزی شهری، از طریق حقوق و تکالیف شهروندان مشخص می گردد» (بشریه، ۱۳۷۴: ۸)

با توجه به ساختار فرهنگ ایران می توان به صورت غیررسمی مشارکت ایرانیان را در گذرگاه های گوناگون بالا دانست در حالی که روحیه مشارکت ایرانیان در عرصه های رسمی بسیار پایین است؛ لذا این مسئله دارای جنبه هایی عبارتند از: «۱- جنبه فضایی - کالبدی شهر؛ تعداد، تراکم ترکیب و طرز پراکندگی جمعیت، فضای شهر و اصول تمایز قسمت های مختلف شهر و تأثیر آن بر زندگی اجتماعی افراد و گروه ها؛ ۲- جنبه ساختاری شهر؛ ساخت اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشور در شهر منعکس می شود. شهر با نوع تمدن و نظام اجتماعی ارتباط کامل دارد؛ ۳- جنبه اجتماعی شهر؛ سازمان های اجتماعی پیچیده از تجمع افراد مشتمل بر گروه های خانواده، طبقات اجتماعی، کارگاهها و کارخانه ها، گروه های نژادی و انجمن ها و... ۴- جنبه فرهنگی شهر؛ سبک زندگی، شیوه تفکر، نگرشها و بروز احساسات و عواطف بر حسب مناطق مختلف و...» (توسلی، ۱۳۹۲: ۴) برای مبنا بکارگیری شهروندان در برنامه ریزی شهری زمانی ممکن خواهد بود که این نظام مدیریت شهری اجازه استفاده از نظرات شهروندان را بدهد و به گونه ای سازماندهی شده باشد که دخالت شهروندان در فرآیند برنامه ریزی را ممکن سازد.

با توجه به مطالعه اجتماعی وضعیت فرهنگی شهروندان شهر قاین سؤال های اساسی این است که:

۱) چه ارتباطی بین متغیرهای زمینه ای مانند (سن، جنسیت، مدت اقامت و تحصیلات) و فرهنگ شهروندی رابطه ای وجود دارد؟

۲) وضعیت سنجش مولفه های فرهنگ شهروندی در بین شهروندان قاین چگونه است؟

۳) چه ارتباطی بین مولفه های فرهنگ شهروندی در راستای نهادینه سازی در شهر قاین وجود دارد.

۴) مهمترین راهکارهای فرهنگی و اجتماعی در راستای فرهنگ شهروندی در شهر قاین چه می‌تواند باشد؟

ضرورت تحقیق

یکی از کارآمدترین ساز و کارهای مدیریت شهری برای رسیدن به مناسبات اجتماعی مطلوب و کاهش هزینه‌های برآورده شدن بعد مشارکت شهری است که از مولفه‌های اساسی فرهنگ شهروندی است. «مشارکت از الزامات زندگی شهری است و هنگامی تحقق می‌یابد که شهروندان از حالت زندگی فردی در آمده و با احساس مسؤولیت جمعی به شهروند بدل شوند» (پیران، ۱۳۷۴: ۱۳۲)

برای پاسخگویی به نیازهای توسعه شهری و توجه به سهم آیندگان، لاجرم بایستی اداره امور زندگی شهری را بر مبنای الگوی منظم برنامه ریزی با مشارکت هدفمند، آگاهانه و داوطلبانه شهروندان برنامه ریزی کنیم. عدم مشارکت مردم و نهادهای مردمی در امر برنامه ریزی، توسعه و مدیریت شهری همواره به عنوان چالش جدی و یکی از عوامل عدم تحقق طرح‌ها به شمار آمده است. بررسی سوابق بیانگر این است که کلان شهرهای ایران در گذشته هیچ‌گاه به صورت یکپارچه مدیریت نشده و طیف وسیعی از سازمان‌ها در اداره امور شهر دخالت داشته‌اند. از جنبه دیگر هیچ‌گاه اداره امور شهر توسط مردم به طور جدی مدنظر قرار نگرفته است (پناهی و همکاران، ۱۳۹۰: ۷).

از بعد دیگر قوانین مربوط به شهرنشینی امروزه در قالب فرایند شهروندی تداعی می‌شود، اما باید دانست که تنها استقرار فیزیکی در شهر معادل واژه شهروند نیست، بلکه شهروند باید در مدیریت بهینه شهر یا همان برنامه ریزی شهری و رعایت نظم و اجرای قانون شهروندی نقش اساسی داشته باشد؛ چرا که اجرای فرهنگ شهروندی از طریق مولفه رعایت قانون مداری بستر اجتماعی مناسبی را برای فعالیت‌ها و مشارکت‌های شهروندی مهیا

می کند تا بتواند همه چیز را در خدمت پیشرفت و توسعه شهری بدست گیرد. بنابراین می توان گفت «قانون مداری یکی از کاربردهای اصلی فرهنگ شهروندی و اداره جامعه شهری مبتنی بر عدالت اجتماعی و تعهد به انجام وظایف به منظور حفظ نهادهایی است که این حقوق را برقرار و پایدار نگه می دارند.» (علوی تبار، ۱۳۷۹: ۷۲)

از بعد دیگر پایبندی به مسئولیت پذیری شهروندی، در واقع نوعی تمرین شهروندمحوری است که در فرهنگ شهروندی باید به آن اهمیت بسیار داده شود. این تمرین مردم سالارانه با اطرافیان و اعضای نهادهای مدنی و انجمن های داوطلبانه شکل می گیرد. تا زمانی که افراد در نهادهای مدنی و انجمن های داوطلبانه عضو نباشند و سهم داشت و مسئولیت نداشته باشند، فرهنگ شهروندی شکل نمی گیرد.

فرهنگ شهروندی ناظر به مجموعه ای از ارزش های اجتماعی همچون مساوات طلبی، آزادی، فردگرایی، مردم سالاری و مسئولیت پذیری مدنی است. از نظر فالکس «رعایت فرهنگ شهروندی در افزایش احساس مسئولیت اجتماعی، اعتمادپذیری و تعهد مدنی موثر است؛ چرا که تعهد مدنی بر توازن بین نفع فردی و جمعی استوار است. به عبارت دیگر سهم دانستن خود در سرنوشت جمعی و ملاحظه خیر جمعی برای منافع کشور یا بهبود جامعه، معرف تعهد مدنی و فرهنگ شهروندی است.» (فالکس، ۱۳۸۱: ۱۶۷)

در مجموع مطالعه و ارزیابی مولفه های فرهنگ شهروندی در جهت آگاهی اجتماعی و حقوقی شهروندان با ساختار حاکمیت و حکمرانی محلی می تواند برای نهادینه سازی فرهنگ مدیریت شهری در ایران بسیار ضرورت داشته باشد؛ با توجه به چنین اهمیتی برنامه ریزی فرهنگی و اجتماعی در راستای نهادینه سازی مستمر و مداوم مولفه های فرهنگ شهروندی در سطح محلی، منطقه ای و ملی بسیار ضروری به نظر می رسد.

پیشینه تحقیق

صافی و نظریان (۱۳۹۴) در تحقیق خود به دنبال نقش ساختار مدیریت شهری در توسعه فرهنگ شهر و شهرنشینی در شهر همدان بودند. هدف از این تحقیق شناسایی عوامل موثر بر بهبود ساختار مدیریت شهری و تاثیر آن در توسعه فرهنگ شهرنشینی است. جامعه آماری نیز ۳۶۹ نفر بوده‌اند. نتایج نشان داده که ساختار مدیریت شهری همدان از انسجام، انعطاف پذیری، کارآمدی و مشارکت لازم برخوردار نیست و نیاز است جهت ارتقای فرهنگ شهرنشینی شهروندان همدانی توجه بیشتر و برنامه ریزی دقیق تری داشته باشد. همچنین شهروندان با مفهوم حقوق شهروندی آشنایی چندانی ندارند و در اداره امور شهر رغبتی از خود نشان نمی‌دهند؛ بنابراین آموزش و توانمندسازی آنان پیش شرط لازم در اداره امور شهر است. (صافی و نظریان، ۱۳۹۴: ۵۱-۵۲)

همتی و احمدی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان تحلیل جامعه‌شناختی از وضعیت فرهنگ شهروندی شهر ایوان به دنبال بررسی عوامل تعیین کننده فرهنگ شهروندی پرداختند. روش پژوهش پیمایش بوده و جامعه آماری ۳۷۶ نفر بوده‌اند. نتایج حاکی از این بوده است که پاسخگویان نمره متوسط به بالایی از شاخص فرهنگ شهروندی کسب کرده‌اند. همچنین نتایج حاکی از رابطه مثبت باورهای مذهبی و رابطه منفی احساس انومی با شاخص ترکیبی فرهنگ شهروندی بوده است. (همتی و احمدی، ۱۳۹۳: ۱۴۰)

علیزاده و همکاران (۱۳۹۲) در تحقیقی به بررسی نقش و مشارکت مردم در اداره امور شهری (نمونه موردی منطقه ۱۰ شهرداری مشهد) پرداختند. هدف از این تحقیق یافتن نقش و میزان مشارکت مردم در اداره امور شهری بوده است. جامعه آماری نیز ۳۸۰ خانوار به شیوه انتخاب تصادفی خوشه‌ای در منطقه ۱۰ شهرداری مشهد بوده‌اند. نتایج نشان داده که نقش مردم در

اداره امور شهر به ترتیب اولویت در مشارکت ذهنی-معنوی، مشارکت سیاسی، مشارکت فیزیکی، مشارکت مالی، و در نهایت مشارکت ابزاری با مشارکت در رتبه‌های اول تا پنجم قرار گرفته‌اند. (علیزاده و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۱)

اسماعیل زاده و صرافی (۱۳۹۰)، پژوهشی با عنوان جایگاه حکمروائی خوب در برنامه ریزی شهری (نمونه موردی طرح متروی تهران) انجام دادند. هدف از این تحقیق بررسی نقش و جایگاه مردم در فرایند برنامه ریزی‌های شهری است. روش پژوهش نیز میدانی و حاصل مصاحبه با مسئولین مترو و ساکنین ایستگاه‌های مترو بوده است. نتایج مطالعه نشان داد که مردم در فرایند برنامه ریزی و اجرای طرح نقش خاصی نداشته‌اند و تنها نظاره‌گر و استفاده‌کننده از نتایج طرح بوده‌اند. از تبعات نامطلوب این امر این است، زمانی که مسئولین به حقوق شهروندی توجهی نمی‌کنند؛ به تبع، مردم نیز خود را در قبال طرح مسئول نخواهند دید و این عوامل، مانع توسعه منطقه‌ای و در نهایت توسعه ملی خواهد گردید. (اسماعیل زاده و صرافی، ۱۳۸۵: ۳)

رضوی الهاشم و موسایی (۱۳۹۰)، در تحقیقی با عنوان تحلیل (SWOT) مشارکت شهروندی در طراحی الگوهای برنامه ریزی مدیریت شهری (مطالعه موردی شهر تهران)، به دنبال جایگاه مشارکت شهروندان در برنامه ریزی شهری و همچنین نقاط ضعف، قوت، فرصت‌ها و تهدیدهای مشارکت در برنامه ریزی شهری است. روش تحقیق کیفی بوده، در قالب پرسشنامه باز و مصاحبه عمیق با ۳۰ نفر از متخصصان حوزه برنامه ریزی شهری انجام شده است. نتایج نشان داده که طراحی الگوهای برنامه ریزی شهری مستلزم مشارکت فعال شهروندان است. (رضوی الهاشم و موسایی، ۱۳۹۰: ۱۶۲-۱۶۱)

هاشمیان فر و گنجی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای به تحلیل فرهنگ شهروندی در شهر اصفهان پرداختند. هدف تحقیق بررسی وضعیت شهروندی و ابعاد مختلف آن در شهر اصفهان و همچنین میزان آن در بین شهروندان اصفهانی می‌باشد. جامعه آماری مطالعه حاضر ۱۵۰ نفر از افراد ۱۵ سال و بالاتر ساکن شهر اصفهان در زمان مطالعه می‌باشند. نتایج این تحقیق نشان داد که شهروندان اصفهانی در ابعاد سه‌گانه شهروندی یعنی مشارکت جویی، مسئولیت‌پذیری، و رعایت قوانین و در نهایت پایبندی به اصول شهروندی در حد متوسط می‌باشند. در واقع مطلوب نبودن میزان مشارکت جویی شهروندان در امور مختلف مدنی، سیاسی و اجتماعی را می‌توان در نتیجه بی‌اعتمادی اجتماعی و یا بی‌تفاوتی اجتماعی آنها و یا عدم فرهنگ مشارکت دانست. (هاشمیان فر و گنجی، ۱۳۸۸: ۴۳)

کافه و لیپه^۴ (۲۰۱۴) در تحقیقی با عنوان «هنجارهای شهروندی در اروپای شرقی»^۵ انجام داده‌اند. در این تحقیق تعریف خود شهروندان، از شهروندی خوب در چهار کشور اروپای شرقی یعنی جمهوری چک، مجارستان، لهستان و اسلونی مورد مطالعه قرار گرفته است. نتایج حاصل از این پژوهش تفاوت معنادار در اهمیت هنجارها را در کشورهای مورد مطالعه نشان می‌دهد. به این ترتیب که شهروندان جمهوری چک، کمترین اهمیت را برای هر دو دسته هنجارها قائل بودند. شهروندان مجارستانی، تصویری سنتی از شهروندی داشته‌اند که مبتنی بر بعد وظیفه‌شناسی شهروندی بوده است. شهروندان اسلونی تصویری مدرن‌تر و بیشتر معطوف به درگیری شهروندی داشته‌اند و نهایتاً در نگاه شهروندان لهستانی هر دو جنبه دارای اهمیت بوده است. نقش اعتماد نیز با توجه به بستر اجتماعی پژوهش متفاوت دیده

^۴ Hild Coffe & Van der Lippe

^۵ Citizenship norms in Eastern Europe توسط نگارنده

شده است، به این ترتیب که در چک و مجارستان نقشی مثبت داشته است اما در لهستان و اسلونی رابطه معنادار و منفی داشته است. (Coffe & Lippe, ۲۰۱۴: ۴۸۲)

دینسن^۶ و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان شخصیت مدنی: شخصیت و شهروندی دموکراتیک^۷ انجام داده است. هدف از این پژوهش این بوده است که اعتماد عمومی، هنجارهای شهروندی و مشارکت‌های سازمانی را بر اساس پنج صفات شخصیت در بین شهروندان دانمارکی بر اساس نظرسنجی مورد مطالعه قرار دهد. نتایج نشان داده است که صفات شخصیتی بر روی ابعاد فرهنگ شهروندی دموکراتیک اثر گذار است و از بین این ابعاد هنجارهای شهروندی و مشارکت بیشترین سهم را با صفات شخصیتی شهروندان دارند. (Dinesen & Etal, ۲۰۱۳: ۱۶)

ازمرلی^۸ (۲۰۱۰) پژوهشی با عنوان سرمایه اجتماعی و هنجارهای شهروندی^۹ انجام داده است. هدف از این پژوهش رابطه سرمایه اجتماعی و گرایش به هنجارهای شهروندی بوده است. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که موید با وجود رابطه مثبت ابعاد سرمایه اجتماعی بر هنجارهای مشارکت و شهروندی اجتماعی، رابطه اعتماد و هنجارهای نظم اجتماعی و استقلال فردی پیچیده تر بوده است. بر اساس شواهد به دست آمده، افراد با اعتماد پایین تر به دیگر شهروندان، مبتنی بر دیگری تعمیم یافته، و اعتماد بالاتر به نهادهای سیاسی، بیشتر به هنجار نظم اجتماعی قائل بودند. به این ترتیب به نظر می‌رسد که افراد بی‌اعتماد به مردم، هنجار نظم

^۶ Dinesen

^۷ The Civic Personality: Personality and Democratic Citizenship
عنوان این مقاله توسط نگارنده ترجمه شده است

^۸ Ezmerli

^۹ Social capital and norms of citizenship: an ambiguous relationship?
عنوان این مقاله توسط نگارنده ترجمه شده است

اجتماعی را دقیقاً به این دلیل بسط داده اند که نمی‌توان به دیگران تعمیم یافته اعتماد کرد. پس باید قدرت قوانین دولتی را بالا برد و از دولت حمایت کرد. بدین ترتیب اعتماد و هنجار استقلال فردی نیز رابطه‌ای منفی، هرچند ضعیف تر داشته‌اند. (EZmerli, ۲۰۱۰: ۶۷۰-۶۷۱)

کاتزیان^{۱۰} (۲۰۰۹) تحقیق هنجارهای شهروندی: کاوشی در عوامل تعیین‌کننده هنجارها در سطوح سیستمی و فردی در کشورهای مختلف^{۱۱} انجام داد. هدف از این تحقیق عوامل تعیین‌کننده اهمیت هنجارهای شهروندی برای شهروندان هستند. در این راستا عوامل مزبور را به دو دسته اصلی عوامل فردی و عوامل مربوط به جنبه‌های عمومی حیات فردی تقسیم می‌کند. نخستین دستاورد در این کار پژوهشی معنادار درآمدن تمایز سه‌گانه درون متغیر وابسته بوده است. نتیجه دیگر این بوده است که متغیرهای مستقل تأثیرات یکسانی به لحاظ تجربی، بر سه دسته هنجاری نداشته‌اند و هر کدام تأثیرات مثبت و منفی متفاوتی روی هر دسته داشته‌اند. در این پژوهش افراد مسن‌تر بیشتر به هنجارهای کلاسیک شهروندی، مبتنی بر شهروندی‌گرایی داشته‌اند. از نتایج جالب کار می‌توان به تأثیر معکوس اعتماد بین فردی و هنجار رعایت قانون اشاره کرد. به این ترتیب که افراد دارای اعتماد بالاتر، کمتر به هنجار رعایت قانون اعتقاد داشته‌اند. از نتایج قابل توجه دیگر می‌توان به این نکته اشاره کرد که رضایت اقتصادی بالاتر و اعتقاد به کارآمدی عینی حکومت از اهمیت هنجارها برای افراد کاسته است. ظاهراً شهروندان رفتار بر طبق توافق شخصی مبتنی بر هنجارها را چندان ضروری ندیده‌اند. از نتایج سطح بین‌کشوری نیز می‌توان به این نکته اشاره

^{۱۰} Kotzian

^{۱۱} Norms of Citizenship (Their Patterns, Determinants, and effects in a cross-national perspective). عنوان این مقاله توسط نگارنده

ترجمه شده است

کرد که نابرابری اقتصادی بر اغلب هنجارها تاثیر منفی داشته است. به این ترتیب که در کشوری با افراد بسیار فقیر و بسیار ثروتمند اهمیت اعتقاد به قانون، رأی دادن و ساختن عقیده مستقل پایین بوده است. (Kotzian, ۲۰۰۹)

مبانی نظری

با توجه به ضرورت موضوع و ادبیاتی که به طور مستقیم و غیر مستقیم می‌تواند مرتبط به موضوع این نوشتار باشد؛ همچنین اهمیتی که این بحث در حوزه جامعه‌شناسی و مطالعات شهروندی دارد در سطور ذیل به طور مختصر اشاره به مبانی نظری این نوشتار می‌کنیم.

نظریه مدیریت مداری شهری پال^{۱۲} (۱۹۷۵) موضوع بسیاری از مطالعات شهرشناسی بنیانی است، که مرزهای دانش شهرشناسی را گسترش داده است. از نظر پال نقش مدیران شهری و استقلال نسبی آن‌ها در توزیع منابع جهت برنامه ریزی شهری از اهمیت خاصی برخوردار است. با وجود این مطالعات شهرشناسی اخیر در زمینه مدیریت گرایشی نشان داده است که ساختار مدیریت شهری باید مبتنی بر اصولی جهت برنامه ریزی شهری باشد که در واقع شالوده این ساختار را به وجود می‌آورند. این اصول را به ایجاز می‌توان اینگونه برشمرد: (۱) اصل تربیت شهری و آموزش شهروندی (۲) اصل ضوابط مدون برای آگاهی و راهنمایی شهروندان (۳) اصل جلب اعتماد بخش مردمی و بخش خصوصی (۴) اصل اختیار و مسئولیت (۵) اصل بازبینی و تجدیدنظر در اقدامات انجام شده (مزینی، ۱۳۷۸: ۲۱۱) و رسیدن به چنین اصولی می‌تواند در توسعه فرهنگ شهروندی بسیار موثر باشد.

به نظر پوپر^{۱۳} فرهنگ شهروندی از شهرنشینی فاصله گرفته است و نوعی احساس را برای شهروندان یک جامعه ایجاد کرده است. وی عقیده دارد

^{۱۲} pal

^{۱۳} Popper

که مفهوم احساس شهروندی خود به خود به واسطه تجمع افراد در کنار یکدیگر ایجاد نمی‌شود، بلکه باید نهادهای متکفل این احساس را ایجاد کنند، نهادهایی مثل " انتخابات، تأمین اجتماعی، رسانه‌ها ... " می‌توانند چنین هویتی را ایجاد و همه این نهادها در یک جامعه سنتی یا در حال گذار با چنین هدفی باید هویت ضروری پیدا کنند (نجات حسینی، ۱۳۸۰: ۵۶) برای تحقق این مباحث، مقوله‌های زیر قابل بررسی است:

الف) با توجه به رشد مسائل اجتماعی شهر و انبوه مشکلات شهری، روابط سنتی حاکم بر خویشاوندی به سمت تحلیل رفته و شهروندان را منفعل کرده است. حوزه فرهنگ شهروندی باید تلاش کند، که هرگونه مشارکت در امور اجتماعی و شهری را برای شهروندان فراهم و همچنین پدیده‌هایی مثل کثرت‌گرایی، گسترش ارتباطات، انواع آموزش‌های علمی - کاربردی، خودآگاهی و تخصص را باید به صورت نوعی عرضه و تقاضا در چارچوب قرار داد برای شهروندان ایجاد کند.

ب) به دلیل اینکه حوزه آموزش و پرورش، خانواده و شعائر به صورت عموم باید فرا گرفته شود و نمی‌تواند تغییر شیوه‌های فکری و مواجهه این حوزه‌ها به پرورش جسمانی و سوادآموزی، ارتباطات خویشاوندی و روابطی از نوع اخوت را مورد توجه قرار دهد، باید در حوزه فرهنگ شهروندی، موسسات و نهادهایی شکل گیرد که روابط اجتماعی نوین شهروندی را کارکرد اصلی خود تلقی کند و به نیازهای جدید شهروندان پاسخ دهد. بدین ترتیب خانه‌های فرهنگ محله، فضاهای فرهنگی شهر، جایگزین نهادهای خانواده، آموزش و پرورش و شعائر در شهر می‌گردد.

ج) مراکز فرهنگی شهر مناسب‌ترین موسسه برای تمرین پذیرش فرهنگ شهروندی و ایجاد هویت مدنی است زیرا عضویت شهروندان اختیاری و داوطلبانه است و اجبار درونی و بیرونی وجود ندارد و در این مراکز منافع و

علايق فردی باعث شده که شهروندان به این مراکز بپیوندند و حوزه فرهنگ شهروندی خود را تکمیل کنند. همچنین این مراکز در حوزه فرهنگ شهروندی، شهروندان یک جامعه را برای اجتماعی شدن و فرهنگ پذیری زندگی شهروندی آماده کنند و این فضاها کارکردهای جنسیتی پیدا کرده و به صورت تجمعی از شهروندان با گرایش و فعالیت خاص را به مشارکت اجتماعی مشغول می نماید و تا حدی گامی موثر در ایجاد حساسیت نسبت به مشکلات شهری و اجتماعی و ارائه الگوهای تازه برای حل اختلاف ایجاد و شهروندان را در حیطه جامعه مدنی بر اساس ویژگی های جماعتی به فعالیت وادار کرده که این امر کمک شایانی به برخی از کارکردهای دولت چون تقویت هویت شهروندی و ملی می کند (شربتیان، ۱۳۸۷: ۱۲۵).

در فرهنگ ایرانی هویت شهروندی با نوعی مالکیت ارزشی همراه است :
الف) اینکه شهروند به این معناست که مردم متعلق به آن شهر هستند و شهر تنها به مدیران و مسئولان اجرایی آن شهر تعلق ندارد و باید از فرهنگ آن شهر تبعیت کنند. تعلق به فرهنگ بوی و محلی شهر به این معناست که مدیران و شهروندان آن شهر با توجه به ارزش ها و هنجارهای موجود بر ساختار فضای شهر مسئولیت دارند.

ب) مالکیت شهری یا همان شهروند بودن شخص، ارزش ها و هنجارهای حاکم بر آن شهر تحقق می یابد. به نوعی این مالکیت بیانگر این است که شهروندان با توجه به ارزش ها و هنجارهای حاکم بر روح شهری حق مشارکت بر سرنوشت خود را در آن شهر به همراه دارند، بنابراین مالکان شهری باید متناسب با آن ارزش ها و هنجارهای حاکم سعی کنند برنامه ها و اصولی را پیاده نمایند که شهر را به سمت توسعه همه جانبه سوق دهند.

ج) مالکیت برای شهروندان یک جامعه شهری این حق را ایجاد می کند که شهروندان حق دارند که مطابق قراردادی که با یکدیگر دارند، برای امور شهری خویش برنامه ریزی و تصمیم گیری نمایند. (همان: ۱۳۴)

در واقع فرهنگ شهروندی از عوامل متعدد تاریخی، اجتماعی و سیاسی تاثیرپذیر است اما برای شکل‌گیری فرهنگ شهروندی نیاز به سه عنصر آرمانی است که یکی شهروند فعال، دیگری سازمان کارآو اثربخش و سوم حاکمیت خوب می‌باشد. آنچه که این سه عرصه را به همدیگر پیوند می‌زند حقوق و تعهداتی است که به طور اخص نسبت به همدیگر و به طور اعم نسبت به جامعه دارند. هر چه یک جامعه به سوی شهروندی فعال، سازمان‌کارا و حاکمیت خوب پیش رود آن جامعه بیشتر به تحقق فرهنگ شهروندی نزدیک می‌شود (فاطمی نیا و حیدری، ۱۳۸۷: ۷۸).

همچنان که در بخش‌های قبل اشاره شده متون نظری گسترده‌ای در خصوص شهروند و شهروندی وجود دارد اما در مورد فرهنگ شهروندی و عوامل مرتبط با آن در حوزه نظری و تجربی خلا عمده‌ای وجود دارد بنابراین در این تحقیق سعی شده بیشتر به بخش دوم پرداخته شود.

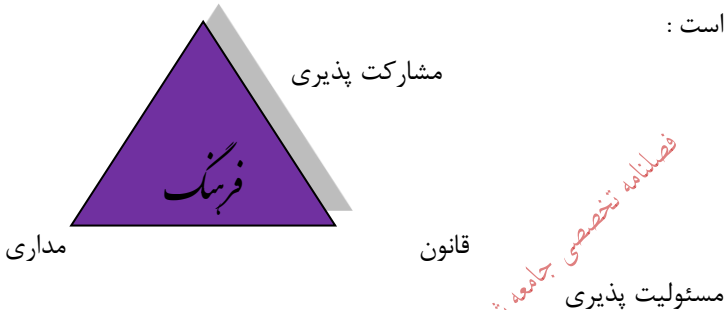
یکی از متغیرهای مرتبط با فرهنگ شهروندی، میزان مشارکت جویی است. مشارکت درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت‌های گروهی است که آنان را برمی‌انگیزد تا برای دست‌یابی به هدف‌های گروهی یکدیگر را یاری دهند و در مسئولیت‌کار با هم شریک شوند. (طوسی، ۱۳۹۰: ۴۳).

یکی دیگر از متغیرهای تاثیرگذار بر فرهنگ شهروندی، قانون‌مداری است. در اینجا استدلال می‌شود که رعایت قوانین و مقررات از طرف اشخاص بستر مناسبی برای رعایت فرهنگ شهروندی ایجاد می‌کند. با این حال این امر به معنای آن نیست که فرهنگ شهروندی نمی‌تواند بر قانونمداربودن افراد تاثیری داشته باشد بلکه رابطه‌ای دوسویه بین این دو متغیر وجود دارد.

سومین متغیر تاثیرگذار دیگر نیز مسئولیت‌پذیری است. پذیرش مسئولیت، مشارکت‌شخص را برمی‌انگیزد تا در کوشش‌های گروه خود مسئولیت‌پذیر باشد. مشارکت‌هنگامی تحقق می‌یابد که بی‌تفاوتی و بی

مسئولیتی جای خود را به احساس وابستگی و مسئولیت بدهد(علوی تبار، ۱۳۷۹: ۳۱).

با توجه به مطالعات نظری بیان شده مدل تحقیق بدین صورت ارائه شده است:



شکل شماره ۱: مدل تحقیق مولفه‌های فرهنگ شهروندی (مأخذ:

نگارنده)

با توجه به مدل تحقیق مهم‌ترین فرضیات این پژوهش عبارت است از:

- ۱- بین مسئولیت پذیری و قانون مداری شهروندان رابطه وجود دارد.
- ۲- بین مسئولیت پذیری و مشارکت پذیری شهروندان رابطه وجود دارد.
- ۳- بین قانون مداری و مشارکت پذیری شهروندان رابطه وجود دارد.

روش‌شناسی

ماهیت موضوع شناخت مؤلفه‌های فرهنگ شهروندی است؛ پس لزوم استفاده از روش تحقیق پیمایشی^{۱۴} از بعد مطالعات جامعه‌شناختی امری

^{۱۴} Survey

اجتناب‌ناپذیر است. همچنین سنجش مؤلفه‌های فرهنگ شهروندی از دیدگاه شهروندان با استفاده از روش تحقیق توصیفی^{۱۵} که همراه با مطالعه اسناد و مدارک بخش دیگری از ابعاد روش‌شناسی این تحقیق است. ابزار سنجش این پژوهش فن پرسشنامه مصاحبه‌ای خودمحقق ساخته است که با جمع‌آوری اطلاعات از حجم (نمونه) می‌توان یافته‌ها را به کل جامعه آماری تعمیم داد. در این تحقیق براساس هدف کاربردی و بررسی مقطعی شهروندان ۱۵ تا ۶۴ ساله شهر قاین در سال ۹۴-۹۵ بوده است که به صورت پژوهش پیمایشی اطلاعات جمع‌آوری شده است. بنابراین روش نمونه‌گیری در این پژوهش، نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای است. جامعه آماری این پژوهش با توجه به سرشماری نفوس و مسکن (۱۳۹۰) در بین سنین مورد نظر برابر با ۴۰۲۲۶ نفر بوده است که حجم نمونه پژوهش با استفاده از فرمول کوکران محاسبه شده، و تعداد نمونه برابر با ۳۸۰ نفر بدست آمده است.

$$n = \frac{\frac{(\cdot/52)^2 (\cdot.5 \times \cdot.5)}{(\cdot.48)^2}}{1 + \frac{1}{40226} \left[\frac{(\cdot/52)^2 (\cdot.5 \times \cdot.5)}{(\cdot.48)^2} - 1 \right]} = 380$$

پایایی تحقیق بر اساس استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برای تمامی شاخص‌ها در حد مطلوبی بوده است. با توجه به نتایج جدول ذیل روایی همه متغیرها بالا و همچنین پایایی کل خوب بدست آمده است. استفاده از نرم‌افزار Spss^{۲۰} جهت تجزیه و تحلیل آمار توصیفی و استنباطی به‌کار گرفته شده است.

^{۱۵} Descriptive

جدول شماره ۱: ضریب آلفای کرونباخ ابزار مورد استفاده در پژوهش

مؤلفه ها	تعداد گویه	آلفای کرونباخ
مشارکت جویی	۹	۰/۸۰
مسئولیت پذیری	۱۴	۰/۸۵
قانونمداری	۷	۰/۷۱
فرهنگ شهروندی	۳۰	۰/۷۸

یافته های پژوهش

جدول ذیل بیانگر یافته های آمار توصیفی ویژگی های جمعیت شناختی جامعه مورد مطالعه است.

جدول شماره ۲: فراوانی پاسخگویان مورد مطالعه بر حسب متغیرهای جمعیت شناختی

ردیف	متغیر	نوع متغیر	تعداد	درصد
۱	جنسیت	مرد	۲۱۵	۵۶/۶
		زن	۱۶۵	۴۳/۴
۲	سن	۱۵-۲۵	۱۲۱	۳۲/۳
		۲۶-۳۵	۱۱۱	۲۹/۵
		۳۶-۴۵	۸۹	۲۳/۷
		۴۶-۵۵	۴۷	۱۲/۴
		تا ۶۴ سال	۸	۱/۲
		اظهار نشده	۴	۱/۱
		ابتدایی	۷	۱/۸
۳	سطح تحصیلات	راهنمایی	۲۳	۶/۱
		دیپلم	۱۱۰	۲۹/۶
		فوق دیپلم	۶۸	۱۷/۹
		لیسانس	۱۱۸	۳۱/۱
		فوق لیسانس	۴۱	۱۰/۸
		دکتری	۱۳	۳/۴
۴	نوع شغل	مدیریت / سرپرستی	۲۵	۶/۶
		گروه های آموزشی	۷۱	۱۷/۶
		کارمنداناری	۹۲	۲۴/۳
		کارگر	۲۵	۶/۶

۳/۷	۱۴	بازنشسته		
۲۵/۱	۹۵	محصل دانشجو		
۵/۵	۲۱	خانه دار		
۵/۸	۲۲	کاسب/بازاری		
۴	۱۵	سایر		
۳۴/۷	۱۳۲	۱۰-۱	مدت پاسخ	۵
۲۶/۶	۱۰۱	۲۰-۱۱		
۱۸/۷	۷۱	۳۰-۲۱		
۱۱/۱	۴۲	۴۰-۳۱		
۶/۱	۲۳	۵۰-۴۱		
۲/۴	۹	۶۰-۵۱		
۰/۶	۲	۶۰ سال و بیشتر		

در خصوص سنجش کلی گویه‌ها و مولفه‌های فرهنگ شهروندی باید بیان کنیم که ابتدا براساس طیف لیکرت (۱-۵) و براساس متغیر رتبه‌ای ابتدا گویه‌های هر یک از مولفه‌ها مورد استخراج قرار گرفته سپس آمار توصیفی هر متغیر برآورده شده است و بعد براساس دستور ادغام در نرم افزار Spss مولفه‌های مذکور در قالب یک طیف ۳ مقیاس (بالا-متوسط-پایین) مجدداً استخراج شده است که جدول ذیل بیانگر توزیع فراوانی جمع گویه‌های مولفه‌های فرهنگ شهروندی است.

جدول شماره ۳: توزیع فراوانی شهروندان در گویه‌های فرهنگ شهروندی

فرهنگ شهروندی	فراوانی	درصد
بالا	۱۸	۴/۷
متوسط	۲۲۸	۶۰
پایین	۱۳۴	۳۵/۳
جمع	۳۸۰	۱۰۰

از مجموع نتایج بدست آمده از آمار توصیفی مولفه‌های فرهنگ شهروندی جدول بالا بیانگر این است که شهروندان رضایت بالا و خوبی از مولفه‌های شهروندی مورد سنجش در سطح شهر خود ندارند، و عمده پاسخگویان در

حد متوسط نسبت به مولفه‌های فرهنگ شهروندی خود را ملزم به پایبندی و رعایت وظیفه و حقوق شهروندی می‌کنند.

جدول شماره ۴: توزیع فراوانی شهروندان در گویه‌های شاخص‌های فرهنگ شهروندی

انحراف معیار	میانگین	بالا	متوسط	پایین	فراوانی	مؤلفه‌های فرهنگ شهروندی
۰/۴۷۷	۱/۶۶	۷	۲۴۸	۱۲۵	فراوانی	مسئولیت‌پذیری
		۱/۹	۶۵/۳	۳۲/۹	درصد	
۰/۴۵۱	۱/۷۱	۹	۲۶۶	۱۰۵	فراوانی	قانون‌مداری
		۲/۴	۷۰	۲۷/۶	درصد	
۰/۴۸۰	۱/۶۷	۷	۲۴۹	۱۲۴	فراوانی	مشارکت‌جویی
		۱/۹	۶۵/۵	۳۳/۶	درصد	

طبق یافته‌های جدول فوق عمده شهروندان نسبت به وظایف شهروندی خود در حوزه فرهنگ شهروندی در حد متوسط (۶۷ درصد) خودشان را ملزم به رعایت این مولفه‌ها در سطح زندگی شهری می‌کنند؛ و در حدود (۳۱ درصد) پایین و (۲ درصد) بالا، خود را به انجام وظایف و یا عدم رعایت فرهنگ شهروندی ملزم می‌دانند.

جدول شماره ۵: میانگین و انحراف معیار فرهنگ شهری زنان و مردان

تغییر	روها	ن	میانگین	انحراف معیار
زنان	۲۱	۱/۶	۰/۴۷	سال اول
مردان	۱۶	۱/۶	۰/۴۹	سال اول

این جدول بیانگر این است که جنسیت در پایبندی به مولفه‌های فرهنگ شهروندی اثری ندارد و بین زنان و مردان شهروندان شهر قاین تفاوتی برای ملزم بودن ابعاد فرهنگ شهروندی در سطح زندگی شهری وجود ندارد و اکثر شهروندان در این شهر و در زمان تحقیق در حد متوسط خود را به انجام وظایف شهروندی ملزم می‌دانند. همچنین شاخص انحراف معیار نیز

حاکمی از آن است که پراکندگی فرهنگ شهروندی در دو گروه تقریباً شبیه هم است (انحراف معیار ۰/۴۹۰ در برابر ۰/۴۷۵).

جدول شماره ۶: آزمون مقایسه معنی‌داری T میزان فرهنگ شهری زنان و مردان

آزمون معنی‌داری T				آزمون لون برای برابری واریانس‌ها		متغیر	
اختلاف میانگین	سطح معنی‌داری (دو دامنه)	درجه آزادی	T	سطح معنی‌داری	F		
۰/۰۵۵	۰/۲۷۸	۳۶۰	۱/۰۸۶	۰/۰۶۲	۴/۷۸۲	فرض برابری واریانس‌ها	فرهنگ شهروندی

نتایج آزمون لون^{۱۶} حاکی از آن است که تفاوت ناچیزی که در پراکندگی سطح فرهنگ شهروندی در بین زنان و مردان دیده شده، قابلیت تعمیم به جامعه آماری را ندارد ($F=۴/۷۸, Sig=۰/۰۶$). بنابراین چون فرض برابری واریانس رد نشده است، به آماره T در سطر اول مراجعه می‌کنیم. همان‌طور که ملاحظه می‌شود در اینجا نیز نتایج قابلیت تعمیم به جامعه آماری را ندارد ($Sig=۰/۲۷$). لذا می‌توان ادعا کرد تفاوتی بین زنان و مردان در سطح و میزان فرهنگ شهروندی وجود ندارد.

جدول شماره ۷: آزمون مقایسه میانگین فرهنگ شهری در گروه‌های سنی

واپس بین متغیرها	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین	F	سطح معناداری
بین گروهی	۴/۱۰۸	۶	۰/۵۳۷	۲/۲۹۶	۰/۰۵۳
درون گروهی	۸۷/۴۹۲	۳۶۱	۰/۲۳۸	-	-
کل	۹۱/۶۰۰	۳۶۷	-	-	-

نتایج آزمون مقایسه میانگین^{۱۷} حاکی از آن است که تفاوت‌های مشاهده شده در میانگین میزان فرهنگ شهرنشینی گروه‌های سنی مختلف قابل

^{۱۶} Leven

^{۱۷} Anova

تعمیم به جامعه آماری است. بنابراین می‌توان گفت افراد در گروه‌های سنی مختلف میزان پذیرش فرهنگ شهروندی‌شان متفاوت است و با یکدیگر فرق ندارد.

جدول شماره ۸: آزمون مقایسه میانگین فرهنگ شهری براساس مدت اقامت

روابط بین متغیرها	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین	F	سطح معناداری
بین گروهی	۱/۲۹۹	۷	۰/۱۸۶	۰/۷۹۰	۰/۵۹۶
درون گروهی	۸۴/۰۹۹	۳۵۵	۰/۲۳۵	-	-
کل	۸۵/۳۹۸	۳۸۰	-	-	-

نتایج آزمون مقایسه میانگین حاکی از آن است که تفاوت‌های مشاهده شده در میانگین میزان فرهنگ شهروندی بر اساس مدت اقامت شهروندان در محل سکونت‌شان قابل‌تعمیم به جامعه آماری نیست ($Sig=0/596$).

جدول شماره ۹: آزمون مقایسه میانگین فرهنگ شهری بر اساس تحصیلات

روابط بین متغیرها	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین	F	سطح معناداری
بین گروهی	۴/۱۳۷	۷	۰/۴۴۸	۱/۹۵۲	۰/۰۵۰
درون گروهی	۸۱/۲۶۰	۳۵۴	۰/۲۳۰	-	-
کل	۸۵/۳۹۸	۳۸۰	-	-	-

نتایج آزمون مقایسه میانگین حاکی از آن است که تفاوت‌های مشاهده شده در میانگین میزان فرهنگ شهروندی بر اساس سطح تحصیلات قابل‌تعمیم به جامعه آماری است. بنابراین می‌توان گفت افراد با تحصیلات و میزان سواد متفاوت، سطح پذیرش فرهنگ شهروندی‌شان متفاوت است و با یکدیگر متمایز هستند.

جدول شماره ۱۰: ضریب همبستگی پیرسون بین مسئولیت‌پذیری، قانون‌مداری و مشارکت‌پذیری

مؤلفه‌ها	مسئولیت‌پذیری	قانون‌مداری	مشارکت‌پذیری
ضریب پیرسون	۱	۰/۴۱۴	۰/۴۳۷
سطح معناداری	-	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

۳۸۰	۳۸۰	۳۸۰	جمع کل	رشته کارشناسی فرهنگ و هنر
۱	۰/۲۹۵	-	ضریب پیرسون	
-	۰/۰۰۰	-	سطح معناداری	
۳۸۰	۳۸۰	-	جمع کل	

با توجه به جداول فوق، نتایج آزمون ضریب همبستگی نشان می‌دهد که در تمامی موارد مذکور فرضیه تحقیق تأیید شده و فرض صفر (عدم رابطه) رد شده است. بدین معنا که ابعاد فرهنگ شهروندی با یکدیگر رابطه‌ی معنا دار و مستقیمی را با شدت متفاوت داشته‌اند. بیشترین شدت بین مسئولیت پذیری و قانون مداری (۰/۴۱۴) و سپس مسئولیت پذیری و مشارکت پذیری (۰/۴۳۷) و در نهایت مشارکت پذیری با قانون مداری (۰/۲۹۵) بوده است.

همانطور که در شکل زیر دیده می‌شود، از بین مولفه‌های سه گانه شهروندی، مسئولیت پذیری با میزان (۰/۵۳۱) و سپس مشارکت پذیری با میزان (۰/۳۴۶) و در نهایت قانون مداری با میزان (۰/۱۹۶) با فرهنگ شهروندی ارتباط داشته‌اند. قابل ذکر است که بین این سه مولفه نیز رابطه معناداری وجود دارد، یعنی اینکه هر چه قانون مداری شهروندان بیشتر شود، میزان مسئولیت پذیری آنها نیز در برنامه‌های شهری به تبع بیشتر می‌شود و این نیز باعث می‌شود شهروندان در اموری که با آنها درگیر می‌شوند (چه فعالیت‌های محلی، اجتماعی، فرهنگی و ...) مشارکت شهروندی افزایش پیدا کند.

مشارکت پذیری (۰/۳۴۶)

قانون مداری (۰/۱۹۶)

مسئولیت پذیری (۰/۵۳۱)



شکل شماره ۲: رابطه مولفه‌های فرهنگ شهروندی

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج سنجش مولفه‌های فرهنگ شهروندی (مسئولیت‌پذیری، قانون‌مداری، مشارکت‌جویی) شهروندان قاین در حد متوسط بوده است که حاکی از این است که فرهنگ شهروندی در شهرهای کوچک در حال توسعه است و یا شهروندان با شیوه‌های مطالبات شهری و آگاهی از حقوق و وظایف شهروندی آشنای دقیق و آگاهی مستمری ندارند.

همانطور که اشاره شد عنصر اساسی در فرهنگ شهروندی، مشارکت شهروندان است، که در بین شهروندان متوسط بدست آمده است؛ از این نظر یافته‌های پژوهش حاضر همسو با پژوهش صفی و نظریان (۱۳۹۴)، همچنین هاشمیان فر و گنجی (۱۳۸۸) و رضوی الهاشم و موسایی (۱۳۸۸) بوده است که اکثر پاسخگویان میزان شهروندی متوسطی داشته‌اند؛ و همچنین اطلاعات و آگاهی نسبت به مولفه‌های فرهنگ شهروندی و شهرنشینی کمتر است؛ در این زمینه نیاز به آموزش و توانمندسازی شهروندان بسیار ضروری و بااهمیت به نظر می‌رسد.

متوسط بودن میزان مشارکت شهروندان در امور مختلف مدنی، را می‌توان در نتیجه بی‌اعتمادی و بی‌تفاوتی اجتماعی، قومی و قبیله‌گرایی ساختار فرهنگ شهری و ... دانست. بنابراین برای افزایش مشارکت شهری باید کارکردهای آموزشی را تقویت کرد، و نهادهای رسمی و غیر رسمی را برای همکاری‌های موثر و مستمر در ابعاد مختلف حل مسائل و مشکلات شهری دخیل کرد.

عدم رعایت قانون از سوی شهروندان را باید در قانون‌گریزی جامعه ایران که در یک بستر تاریخی و فرهنگی شکل گرفته است؛ پیگیری کرد. پایین بودن مسئولیت‌پذیری شهروندان نیز نشان‌دهنده عدم وجود یک سیستم

نظارت اجتماعی دقیق و فقدان یک نظام ساختار اداری مردم سالار در نظام‌های حکمرانی محلی و شهری در شهرهای کوچک ایران در نظر گرفت. افزایش این مولفه‌های یاد شده و نهادینه کردن فرهنگ شهروندی در بین شهروندان یک جامعه از رهیافت آموزش با شیوه‌های مختلف قابل دستیابی است، همچنین باید به این امر نیز توجه کرد که ساختار جامعه ایران کمتر مشارکتی است و بیشتر ساختار بالا به پایین است، که این امر نیز تا حد زیادی مشارکت و پذیرش بسیاری از رفتارها را به شهروند در بستر زندگی شهری اجازه نمی‌دهد.

با توجه به این نتایج می‌توان راهکارها و برنامه‌هایی در جهت ارتقاء سطح فرهنگ شهروندی در سطوح ذیل برتای شهر قاین بیان کرد.

- تشکیل یک اتاق فکر در شهرداری قاین جهت شناخت مسائل و مشکلات شهری و تدوین راهبردها و راهکارهای حل مسائل بسیار ضروری به نظر می‌رسد که تا به حال این فرایند شکل نگرفته است.
- همکاری مستمر شهرداری و شورای شهر قاین با نهادهای علمی و دانشگاهی سطح شهرستان و بهره‌مندی از نظرات عالمانه و کارشناسانه محققان و پژوهشگران شهری بسیار ضروری است.
- تقویت و استمرار با سازمان‌های مردم‌نهاد در سطح شهر جهت تعامل و پیگیری حل مسائل و مشکلات شهری ضروری به نظر می‌رسد.
- حمایت از طرح‌های پژوهشی و عمرانی جهت آبادانی و توسعه فرهنگی و اجتماعی شهر باید مورد اهتمام قرار گیرد.
- ایجاد و حمایت از رسانه‌های محلی و بومی شهر در راستای استمرار آموزش مولفه‌های فرهنگ شهروندی بسیار ضروری است.
- بهره‌مندی از تبلیغات فرهنگی و اجتماعی در راستای مولفه‌های فرهنگ شهروندی بسیار ضرورت دارد.

- حمایت و آموزش مداوم به روحانیت معزز مساجد سطح شهر جهت آگاهی از حقوق و وظایف شهروندی در راستای آموزش به شهروندان نماز گزار در مساجد.
- تولید محصولات متنوع فرهنگی و آموزشی کاربردی و عملیاتی در حوزه مولفه‌های فرهنگ شهروندی از سوی شهرداری و شورای شهر.
- ایجاد شوراییاری‌های محله‌ای و اجتماعی در سطح محله‌های مختلف شهر جهت شناخت مسائل و مشکلات شهری .
- تقویت تعامل و ارتباط حوزه مدیریت شهری و شورای شهر جهت حل مشکلات با شهروندان و ساختارهای سازمانی
- حمایت مستمر دولت محلی (فرمانداری و استانداری- نماینده شهرستان) از بسترسازی و نهادینه کردن برنامه‌های آموزشی و فرهنگی مولفه‌های فرهنگ شهروندی.

منابع

- اسماعیل زاده، حسن؛ صرافی، مظفر (۱۳۸۵). "جایگاه حکمروائی خوب در برنامه ریزی شهری (نمونه موردی: طرح متروی تهران)". *فصلنامه علمی پژوهشی برنامه ریزی و آمایش فضا*، دوره ۱۰، شماره ۱، (پاییز): ۲۸-۱.
- بشریه، حسین (۱۳۷۴)، *جامعه‌شناسی سیاسی*، چاپ اول، تهران: نشرنی پناهی، محمد عادل؛ کاویانی، یونس؛ داهای، الهام (۱۳۹۰). *ساماندهی مشارکت شهروندان در اداره امور شهر با رویکرد محله محوری*، تهران: مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهری شهرداری تهران.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۹۲). *جامعه‌شناسی شهری*، چاپ اول، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- جهانگیری، رضا (۱۳۸۱). *شهرنشینی و شهروندی*، چکیده مقالات همایش راه کارهای توسعه - فرهنگ شهروندی، تهران: انتشارات محبان.
- رضوی الهاشم، بهراد؛ موسایی، میثم (۱۳۹۶). "بررسی (SWOT) مشارکت شهروندان در امور شهری"، *مجله علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی*، شماره ۴۱ (تابستان): ۱۵۲-۱۲۳.
- شربتیان، محمدحسن (۱۳۸۷). "تاملی بر مبانی فرهنگ شهروندی و ارائه راهکارهایی برای گسترش آن"، *فصلنامه فرهنگی-پژوهشی فرهنگ خراسان جنوبی*، سال دوم و سوم، پیاپی ۸ و ۹، (تابستان و پاییز): ۱۵۴-۱۰۹.
- شکویی، حسین؛ حسینی، سیدعلی (۱۳۸۳). "سازوکارهای مشارکت شهروندان در تهیه طرح‌های توسعه شهری"، *مجله علمی-پژوهشی مدرس علوم انسانی*، دوره ۸، شماره ۱ (پیاپی ۳۳)، (بهار): ۹۸-۷۱.
- صفی، سمیه؛ نظریان، اصغر (۱۳۹۴). "نقش ساختار مدیریت شهری در توسعه فرهنگ شهر و شهرنشینی (مطالعه موردی: شهر همدان)"، *مجله علمی-پژوهشی آمایش محیط*، شماره ۲۹، (تابستان): ۷۴-۵۱.

طوسی، محمدعلی (۱۳۹۰). مشارکت و مدیریت مشارکت (جو/نظام پذیرش و بررسی پیشنهادها)، چاپ اول، تهران: سازمان مدیریت صنعتی
علیزاده، کتایون؛ رضوی نژاد، مرتضی؛ رادفر، مینا (۱۳۹۲). "بررسی نقش و مشارکت مردم در اداره امور شهری (نمونه موردی منطقه ۱۰ شهرداری مشهد)"، فصلنامه مطالعات برنامه ریزی شهری، دوره ۱، شماره ۱، (بهار): ۸۷-۶۱.

عاملی، فیصله؛ سعیدرضا، (۱۳۸۰). "تعامل جهانی شدن، شهروندی و دین"، نامه علوم اجتماعی، سال نهم، شماره پیاپی (۱۸)، پاییز و زمستان، صص: ۲۰۰-۱۶۷.

علوی تبار، علیرضا (۱۳۷۹). *الگوهای مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها*، جلد سوم، سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور، تهران: مرکز مطالعات و برنامه ریزی وزارت کشور

فاضلی، نعمت، (۱۳۸۶). "شهروندی فرهنگی و فرهنگی شدن شهروندی"، قابل دسترس [۱۳۹۶/۰۳/۲۵]

[www.farhangshenasi.com/articel]

فاطمی نیا، سیاوش؛ حیدری سیامک (۱۳۸۷). "عوامل مرتبط با تعهدات شهروندی" فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، دوره ۱۰، شماره ۳۸: ۶۴-۴۱

فالكس، كيث (۱۳۸۱). *شهروندی*، ترجمه محمد جعفر دلفروز، چاپ اول، تهران: انتشارات کویر.

قلی پور، آرين (۱۳۸۱). *جامعه شناسی سازمان ها*، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.

مزينی، منوچهر (۱۳۷۸). *ساختار مدیریت شهری در ایران*، چاپ اول، تهران: مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهری وزارت کشور.

نجات حسینی، سیدمحمد (۱۳۸۰). *بررسی جایگاه مفهوم شهروندی در قانون*

شهرداری، چاپ اول، تهران: انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور.
هاشمیان فر، سیدعلی؛ گنجی، محمد (۱۳۸۸). "تحلیلی بر فرهنگ شهروندی
اصفهان"، *جامعه‌شناسی کاربردی*، دوره ۲۰، شماره ۱ (پیاپی ۳۳)، (بهار): ۴۴-
۲۵.

همتی، رضا؛ احمدی، وکیل (۱۳۹۳). "تحلیل جامعه‌شناختی از وضعیت
فرهنگ شهروندی و عوامل تبیین‌کننده آن (مورد مطالعه: شهر
ایوان)" *مجله برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، دوره ۵، شماره ۱۸،
(بهار): ۱۳۹-۱۸۳.

Coffe, H. Lippe, T.V. (۲۰۱۴) "Citizenship norms in
Eastern Europe" *Social Indicators Research*, Vol ۹۶,
No ۳, pp: ۴۷۹-۴۹۶

Dinesen, p.T. Norgaard, A.S & Klemmensen, R. (۲۰۱۳)
The Civic Personality: Personality and Democratic
Citizenship, *Political studies Association*, pp: ۱-۱۹.

Ezmerli, S. (۲۰۱۰) "Social capital and norms of
citizenship: an ambiguous relationship?" *American
Behavioural Scientist*, Vol ۵۳, No ۵: ۶۵۷-۶۷۶.

Kotzian, P. (۲۰۰۹). "Norms of Citizenship (Their
Patterns, Determinants, and effects in a cross-national
perspective)" University of Darmstadt, *Institute of
Political Science*. pp: ۱-۱۰, [

<http://ssrn.com/abstract=۱۵۱۲۴۹۰-۲۰۱۷/۰۷/۱۲>].

Assessing the components of citizenship culture (Case study: Citizens of Ghaen city)

Mohammad Hasan Sharbatiyani^{۱^}

Abstract

The sustainable growth and development of a society depends on the observance of a culture of citizenship. Urban management that moves towards citizen-centered programs; Components such as urban participation, responsibility and legality of citizens in that area can play an important role in urban development. The purpose of this article is to assess the components of citizenship culture among citizens. In this type of survey research (descriptive-correlation), ۱۵- to ۶۴-year-old citizens of Ghaen city have been studied; the sample size of ۳۸۰ people has been selected based on Cochran's formula and using stepwise cluster sampling method. The validity of the questionnaire questions was equal to ۰.۷۸. The results indicate that the indicators of citizenship culture (responsibility, participation and rule of law) are down to the average citizen and among these components, responsibility has a greater impact on citizenship culture than the other two dimensions. Also, the comparison of the average citizenship culture in terms of contextual variables is not significantly different, but in terms of education, the difference between the components is significant; Therefore, it can be said that by increasing the level of education and awareness among citizens with the help of social institutions, education and cooperation of the municipality and the Islamic Council of the city, non-governmental organizations, etc., the indicators of citizenship culture among citizens can be strengthened.

Keywords: Citizenship Culture, Rule of Law, Ghaen, Accountability, Participation,

^{۱^}Corresponding Author: Ph.D. Sociology (Social Issues of Iran) Social Issues Researcher and lecture Of University .
Email: sharbatiyani@pnu.ac.ir